

جادوی فکر بزرگ

دکتر د. شوارتز

ترجمہ

ژنا بخت اور



Schwartz, David Joseph

شوارتز، دیوید جوزف

جادوی فکر بزرگ / د شوارتز؛ - ترجمه ژنا بخت‌آور. - تهران: فیروزه، چاپ اول ۱۳۷۴.

ص. ۳۰۸

ISBN 978-964-90485-0-5

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا (فهرست‌نویسی پیش از انتشار).

The magic of thinking big

عنوان اصلی:

این کتاب تحت عناوین «سلام بر آرزوها» و «نیروی ژرف‌اندیشی» توسط مترجمین مختلف ترجمه و در همین سال منتشر شده است.

۱. موفقیت. الف. بخت‌آور، ژنا، ۱۳۴۵ - ، مترجم. ب. عنوان. ج. عنوان: نیروی

ژرف‌اندیشی. د. عنوان: سلام بر آرزوها.

۱۳۷۴ ب ۱۵۸

ش ۹ / ۶۳۷ BF

۶۲۴۶-۷۵م

کتابخانه ملی ایران

چاپ اول ۱۳۷۴، چاپ پنجاه‌ونهم ۱۴۰۱



انتشارات فیروزه: تهران، خیابان انقلاب، خیابان ابوریحان، خیابان وحید نظری، پلاک ۲۹

دفتر: ۰۰۸۶۴۰۰۶۴۴-۰۴۶-۱۴۰۶۴۴-۰۶۴۴۸۴۶۱۲ فاکس: ۰۰۲۷-۶۴۴۸۴۰۲۷

<https://instagram.com/morvaridpub> - <https://telegram.me/morvaridpub>

تخفیف و ارسال رایگان: www.morvarid.pub



جادوی فکر بزرگ

نوشته دیوید جوزف شوارتز

ترجمه ژنا بخت‌آور

تولید فنی: الناز ایلی

چاپ پنجاه‌ونهم: تابستان ۱۴۰۱

لیتوگرافی: طاووس رایانه

چاپ و صحافی: کهنمویی‌زاده

تیراژ ۳۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۰۴۸۵-۰۰-۵ ISBN: 978-964-90485-0-5

مرکز بخش انتشارات مروارید: تهران، خیابان انقلاب، روبه‌روی دانشگاه تهران، پلاک ۱۱۸۸

۹۵۰۰۰ تومان

فهرست

- ۱ - به موفقیت خود ایمان داشته باشید..... ۱۵
- ۲ - با عذرتراشی یا بیماری شکست‌پذیری مقابله کنید..... ۳۱
- ۳ - به خود اطمینان کنید و ترس را از میان ببرید..... ۵۵
- ۴ - چگونه بزرگ ببخشیم..... ۸۱
- ۵ - چگونه به تفکر و تخیل خلاق دست یابیم..... ۱۰۷
- ۶ - شخصیت شما تابع اندیشه‌های شماست..... ۱۳۳
- ۷ - بر محیط اطراف خود مسلط شوید، درجه‌ی یک باشید..... ۱۵۳
- ۸ - از نگرش‌های خود، حامیان سرسختی بسازید..... ۱۷۳
- ۹ - مردم را دوست داشته باشید..... ۱۹۹
- ۱۰ - حرکت را به صورت عادت درآورید..... ۲۱۹
- ۱۱ - چگونه از شکست پیروزی بسازیم..... ۲۴۳
- ۱۲ - هدف‌ها را محملی برای تعالی خود قرار دهید..... ۲۶۱
- ۱۳ - رهبران، چگونه می‌اندیشند..... ۲۸۵

مقدمه

این کتاب چه می گوید؟ چرا یک بحث تمام عیار را درباره‌ی **جادوی فکر بزرگ** (بزرگ اندیشی) آغاز کرده ایم؟ امسال دوازده هزار جلد کتاب جدید منتشر خواهد شد. چرا یک جلد بیشتر؟ هدف از تدوین این کتاب چیست؟

اجازه بدهید کمی توضیح بدهم.

چندین سال پیش در جلسه‌ی مدیران فروش یکی از شرکت‌ها شاهد موضوع فوق‌العاده تکان‌دهنده‌ای بودم. رییس بخش بازاریابی شرکت، با حالتی هیجان‌زده در انتظار آغاز سخنرانی خود بود. او می‌خواست نکته‌ی مهمی را تفهیم کند. در کنار او در جایگاه سخنرانی، موفق‌ترین نماینده‌ی شرکت، با ظاهری عادی ایستاده بود، این نماینده توانسته بود درآمد حاصل از فروش خود را در سال قبل به حدود بیست و پنج هزار دلار برساند. در حالی که درآمد سایر نمایندگان به طور متوسط حدود پنج هزار دلار بود.

رییس بخش بازاریابی، اعضای گروه را با چنین جملاتی مورد خطاب قرار داد: «از شما می‌خواهم نگاه دقیقی به هری بیندازید. به او نگاه کنید و بگویید هری چه خصوصیتی دارد که شما ندارید؟ هری توانسته است درآمد خود را به پنج برابر درآمد شما برساند؛ ولی آیا پنج برابر هم از شما باهوش‌تر است؟ مسلماً نه. بر اساس تست‌هایی که از ارزیابی کارمندان خود در دست داریم و من آنها را بررسی کرده‌ام، هوش هری نسبت به سایر همکارانش در حد متوسطی است.»

«آیا هری پنج برابر بیشتر از شما کار کرده است؟ نه، گزارش‌ها که چنین چیزی را نشان نمی‌دهند. راستش را بخواهید هری از اکثر شما بیشتر در مرخصی بوده است.»

«آیا منطقه‌ی کار هری بهتر است؟ دوباره باید تصریح کنم که نه. آمار نشان می‌دهد که وضعیت همه‌ی مناطق کمابیش یکسان است. هری تحصیلات بالاتری دارد؟ سالم‌تر است؟ باز هم نه. هری کاملاً یک آدم معمولی است؛ البته به استثناء یک چیز.»

معاون مدیر کل گفت: «تفاوتی که بین هری و سایر شما وجود دارد، این است که او پنج مرتبه بزرگ‌تر از شما می‌اندیشد.»

او در ادامه‌ی سخنانش نشان داد که موفقیت افراد بیش از آنکه به میزان هوش آنها بستگی داشته باشد به **میزان تفکر آنها** وابسته است.

این سخنان چنان نیرویی داشت که در ذهن من ماندگار شد. هرچه بیشتر فکر کردم؛ هرچه با افراد بیشتری صحبت کردم و عوامل مؤثر در موفقیت را ژرف‌تر کاویدم، موضوع واضح‌تر می‌شد. شواهد زنده و حقیقی، یکی پس از دیگری گواهی می‌دادند که میزان پول در حساب‌های بانکی، میزان خوشحالی و میزان خشنودی از زندگی، به **میزان تفکر شخص** بستگی دارد. در بزرگان‌اندیشی افسونی نهفته است.

«اگر بزرگان‌اندیشی تا به این حد موفقیت‌آمیز است، چرا همه‌ی افراد این‌گونه فکر نمی‌کنند؟» من بارها در پاسخ این پرسش گفته‌ام - و این کتاب نیز به همین منظور نوشته شده است - که همه‌ی ما، بیش از آنکه خود متوجه باشیم، محصول تفکرات پیرامون خویش هستیم. متأسفانه، بیشتر این تفکرات، خُرد و ناچیز است، نه بزرگ. محیطی که شما را دربرگرفته است، می‌خواهد شما را مغلوب کند؛ می‌خواهد شما را تا خیابان‌های پست شهرتان پایین بکشد. هر روز دارید به طعنه می‌شنوید: «رییس قبیله زیاد داریم، سرخ‌پوست به‌قدر کافی نیست.» به عبارتی می‌خواهند بفهمانند که میزهای ریاست بسیار کم است و همه می‌خواهند رییس بشوند. پس فعلاً به همین میز کارمندی کوچکی که داری، قانع باش.